



تأثیر فقه اسلامی بر خمسه‌ی نظامی

سید اسعد شیخ احمدی^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۷

چکیده

قرن ششم هجری، از قرون پر بار شعر و ادب پارسی است و شیوه‌ای از سخنوری در این دوره پیدا آمد که آن را شعر متعهد یا شعر دینی هم گفته‌اند. از استادان و داستان‌سرایان برجسته‌ی این دوره، نظامی گنجوی است که شیوه‌ی وی توسط شاعران دوره‌های بعد پیروی شد. شعر نظامی شعری فنی است که توان علمی شاعر، آن را به دانش‌های گوناگون آراسته است. از جمله‌ی دانش‌های اسلامی که در شعر نظامی بازتابی گسترده داشته است، فقه اسلامی است. وی با هنرمندی و توانی کم نظیر از مسائل فقهی در ساختن ترکیبات گوناگون و فراهم آوردن آرایه‌های ادبی و آفریدن تصاویر بدیع بهره برده و

1. Email: Asaad1385@yahoo.com

گاه موضوعات فقه اسلامی را نیز با آداب و رسوم اقوام کهن پیوند داده است. این مقاله بر آن است تا گوشه‌ای از این تأثیرات را بر پایه‌ی موضوعات مندرج در فقه اسلامی تبیین نماید.

کلید واژه‌ها: قرن ششم، شعر دینی، خمسه‌ی نظامی، اصطلاحات فقهی.

مقدمه

قرن ششم هجری قمری از قرون درخشان دانش و ادب ایران به شمار است و فزونی شمار نویسندگان و سخنوران این دوره و کتب مهمی که در این قرن تألیف شده است، این سخن را تأیید می‌کند (براون ۱۳۶۸ ج ۲: ۲).

این قرن، قرن تنوع موضوعات شعری است، فنون و صنایع ادبی در شعر شاعران نامور این دوره گسترده است و در یک سخن می‌توان گفت که شعر این دوره شعر فنی است (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

تأثیر آرا و عقاید دینی و اندیشه‌های صوفیانه در شعر این دوره، شیوه‌ای را فراهم آورد که بدان شعر متعهد گفته‌اند. سنایی، عطار، خاقانی و نظامی از شاعران نام دار این دوره‌اند که بسیاری از اشعار آنان متأثر از اندیشه‌های دینی و باورهای صوفیانه است.

نظامی شاعر نامور و داستان پرداز مشهور این دوره، خطاب به فرزند خویش گفته است:

گر دل دهی ای پسر بدین پند	از پند پدر شوی برومند
گرچه سر و سروریت بینم	و آیین سخنوریت بینم
در شعر مپیچ و در فن او	چون اکذب اوست احسن او
زین فن مطلب بلند نامی	کان ختم شده است بر نظامی
نظم ارچه به مرتبت بلند است	آن علم طلب که سودمند است

(نظامی، لیلی و مجنون: ۴۶)

هم او شعرهای خویش را توصیف حکمت و عزلت دانسته است و معتقد است که با

آغاز دوره شاعری وی، شعر از میخانه به معابد کشیده شده است:

شعر به من صومعه بنیاد شد شاعری از مصطبه آزاد شد.

(نظامی، مخزن الاسرار: ۴۴)

از میان دانشهای دینی، فقه اسلامی بیشترین تأثیر را در شعر شاعران قرن ششم داشته است.

فقه در لغت به معنی زیرکی و فهم و تیز هوشی و دریافت غرض متکلم از گفتار آمده است. (بدران ۱۳۸۰: ۵) و در اصطلاح به تمامی احکامی اطلاق می‌گردد که برگرفته از وحی باشد یا مجتهدان بر پایه ادله تفصیلی آنها را استنباط کرده باشند. (همان: ۶) و در واقع، فقه، اعم از مسائلی است که جنبه‌های عبادی و مادی زندگی مسلمانان را در بر می‌گیرد که حکیم سنایی در این بیت برخی از آنان را به نظم آورده است:

روزه و عقد و نکاح و دور بودن از مراد حج و غزو و عمره و این کارهای بی شمار

(سنایی، دیوان: ۲۳۹)

نظامی گنجوی شاعر بلند پایه این قرن نیز از فقه اسلامی متأثر بوده است و دانش فقه را در کنار طب ستوده است و از قول رسول خدا (ص) آورده است که:

پیغمبر گفت: علم علمان علم الادیان و علم الابدان

در ناف دو علم بوی طیب است و آن هر دو فقیه یا طیب است

(نظامی، لیلی و مجنون: ۴۷)

مسائل فقهی و اصطلاحات آن دانش در آثار نظامی (به ویژه خمسه ی وی) بازتاب خاصی داشته است و بر رونق شعروی افزوده است و این شاعر توانا با بهره بردن از این مسائل بر غنای شعر فارسی افزوده است که در این پژوهش گوشه هایی از آن نموده می‌آید.

متن اصلی:

استعاره و تشبیه با بهره بردن از مسائل فقهی در آثار نظامی:

استعاره مکنیه:

ابر به باغ آمده بازی کنان جامه ی خورشید نمازی کنان

(نظامی، مخزن الاسرار: ۶۸)

ابر با آب جامه ی خورشید را شسته و نمازی کرده است. در اصطلاح فقه نمازی بودن و نمازی کردن: پاک بودن لباس و بدن و مکان از آلودگی و پلیدی است (بکر اسماعیل ۱۹۹۰ ج ۱: ۲۸).

و در جایی دیگر گفته است:

روی زر از صورت خواری بشست حیض گل از ابر بهاری بشست

(نظامی، مخزن الاسرار: ۶)

گل را به زن یا دختری مانند کرده است که ابر بهاری با باریدن بر او خون حیض را از

وی زایل کرده و شسته است. به اجماع تمام مذاهب اسلامی، پس از اتمام خون حیض، غسل بر حیض واجب است (ذوالفقارطب، ۱۳۷۹: ۶۲).

تشبیه بلیغ:

ای کعبه من جمال رویت محراب من آستان کویت
(نظامی، لیلی و مجنون: ۱۹۲)

تشبیه بلیغ، تشبیهی است که وجه شبه و ادات تشبیه در آن ذکر نشده باشد (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۳). شاعر در این بیت با بهره بردن از دو مسئله‌ی فقهی، روی آوردن و استقبال قبله (کعبه) و محراب، این شعر را پرداخته است.

تشبیه مؤکد:

ز ابروی تو هر خمی خیالی است هر یک شب عید را هلالی است
(نظامی، لیلی و مجنون: ۱۴۹)

تشبیه مؤکد، تشبیهی را گویند که ادات تشبیه را از آن برداشته اند (کزازی ۱۳۶۸: ۷۲). شاعر خم ابروی معشوق را به هلال شب عید مانند کرده است که با دیدن آن روزه می‌گشایند و عید فطر بر پا می‌دارند.

تضمین جزئی از دعای قنوت:

برآورده مؤذن به اول قنوت که، سبحان حی الذی لا یموت
(نظامی، شرفنامه: ۲۸)

کنایه:

اتابک ایلدگز شاه جهان گیر که زد بر هفت کشور چار تکبیر
(نظامی، خسرو و شیرین: ۲۱)

چار تکبیر: کنایه از ترک چیزی است، چراکه نماز میت چهار تکبیر است (ثروت، ۱۳۷۵: ۱۴۰).

بهره بردن از مسائل فقهی در مناجات و در مدح ممدوح و توصیف معشوق:

احرام گرفته ام به کویت لبیک زنان به جستجویت
احرام شکن بسی است زنه‌ار زاحرام شکستم نگه دار
(نظامی، لیلی و مجنون: ۵)

لبیک گفتن یا تلبیه، از اعمال حج می‌باشد و بخاری و مسلم از نافع بن عبدالله روایت

کرده‌اند که تلبیه رسول خدا (ص) چنین بوده است: لبیک اللهم لبیک لا شریک لک لبیک، ان الحمد والنعمه لک والملك لا شریک لک (بکر اسماعیل، ج ۱: ۶۰۸).

نظامی از مسائل فقهی مربوط به حج و گزاردن آن در این مناجات بهره برده است. در جایی دیگر و می‌گویید:

بگذار که از سر نیازی در قبله تو کنم نمازی
گر سهو شود به سجده راهم در سجده سهو عذر خواهم
(نظامی، لیلی و مجنون: ۲۲۳)

سهو به معنی فراموش کردن چیزی و غفلت از آن است و در اصطلاح سجده ی سهو به سجده‌ای گفته آید که در جبران فراموش کردن یا غفلت رکنی از ارکان نماز، انجام می‌گیرد. در مذاهب مالکیه و شافعیه، محل سجده ی سهو پس از تشهد و قبل از سلام است، اما در مذاهب حنفیه و حنبلیه و امامیه محل سجده سهو پس از سلام نماز است (ذوالفقارطب، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

در مدح شروانشاه اخستان بن منوچهر گوید:

بخشیدن گوهرش به کیل است تحریر غلام خیل خیل است
(نظامی، لیلی و مجنون: ۳۴)

تحریر غلام یعنی آزاد کردن بنده از قید بندگی، در سنت شریف نبوی و فقه اسلامی آزاد کردن بندگان را وسیله‌ی قرب حق تعالی دانسته‌اند و به آن سفارش کرده‌اند و از قول رسول خدا (ص) آورده‌اند که فرمود: هر کس بنده‌ای مومن را از قید بندگی برهاند این کار فدیة او از آتش دوزخ است (الاصفهانى: ۲۷۴) اجماع فقهای اسلامی نیز بر درستی آزاد کردن بندگان و ثواب بسیار آن است (ابوحیب ۱۹۹۹ ج ۲: ۸۱۱).

در جایی دیگر، گوید:

ز کاس نظامی یکی طاس می خوری هم به آیین کاوس کی
ستانی بدان طاس طوسی نواز حق شاهنامه ز محمود باز
دو وارث شمار از دو کان کهن ترا در سخا و مرا در سخن
به و می که ناداده باشد نخست حق وارث از وارث آید درست
(نظامی، اقبالنامه: ۳۵)

در این ابیات، نظامی به ممدوح سخن پرور خویش گفته است که تو در سخا، (بخشش) وارث محمود غزنوی هستی و من نیز وارث فردوسی، و وام فردوسی بر گردن محمود بود و

چون محمود مرد و دین را نپرداخت، اکنون گزاردن آن بر وارثان فرض آمده است. شاعر با هنرمندی و ظرافت تمام، چشمزدی به این مسئله‌ی فقهی داشته است که طبق اجماع مذاهب اسلامی، اگر مرده دین داشته باشد بر وارثان است که از ماترک، دین او را به دائن (صاحب دین) بپردازند (مغنیه، ۱۳۷۲: ۴۲۵).

پیوند مسائل فقه اسلامی با داستانهای کهن و باستانی ایرانی:

حج و عمره در داستان شیرین و فرهاد:

فدا کرده چنین فرهاد مسکین	ز بهر جان شیرین جان شیرین
اگر چه ناری ای بدر منیرم	پس از حجی و عمری در ضمیرم
من از عشق تو ای شمع شب افروز	بدین روزم که می بینی بدین روز
	(نظامی، خسرو و شیرین: ۲۴۰)

یعنی هر چند که می‌دانم که پس از آن روز که در کعبه ی تو ادای حج و عمره کرده و به طواف پرداخته و رجعت کرده ام دیگر مرا به خاطر نیاورده و نمی‌آوری (تعلیقات وحید دستگردی بر کتاب خسرو و شیرین: ۲۴۰).

سجده ی شکر:

چون شه انصاف خویش کرد پدید	سجده‌ی شکر کرد هر که شنید
	(نظامی هفت پیکر: ۱۰۰)

سجده‌ی شکر، خارج از نماز به جای آورده می‌شود و آن به هنگام روی آوردن نعمت یا دفع بلا و آفت، است (ذوالفقار طب، ۱۳۷۹: ۱۲۳). نظامی این مقوله‌ی فقه اسلامی را به دوره بهرام گور پیوند داده است.

وقف:

شاه را در ظفر قوی شد دست	قلب و دارای قلب را بشکست
هر کسی پیش او زمین می رفت	درخور فتح آفرین می گفت
شاه فرهنگ دان شعر شناس	بیش از آن دادشان که بود قیاس
کرد از آن گنج و آن غنیمت پر	وقف آتشکده هزار شتر
دربدامن فشاند و زر به کلاه	بر سر موبدان آتشگاه
	(نظامی هفت پیکر: ۱۲۷)

وقف در لغت به معنی حبس و نگاه داشتن است (النسفی، ۱۹۸۶: ۲۱۹).

و در اصطلاح فقه، نگاهداشت مالی است، اعم از خانه و زمین و مانند آن در راه خدا تا از

منافع آن طالبان علم و مجاهدان راه حق و یتیمان و بیوه زنان و جز ایشان از درویشان و نیازمندان بهره مند گردند.

پارادوکس کم نظیری در این ابیات نظامی مشهود است. از لحاظ فقه اسلامی، وقف بر آتشکده و دیر و کلیسا و کنشت جایز نیست (عیسی آشور، ۱۳۷۴: ۳۹۱) و از سوی دیگر نظامی این سنت اسلامی را به بهرام گور نسبت داده است که هزار شتر وقف آتشکده کرده است.

برخی از مسائل فقهی دیگر، در آثار نظامی:

روزه‌ی نذر:

هر روز مسافری ز راهی می کرد بر او قرارگاهی
 آوردی از آن خورش که شاید تا روزه نذر از او گشاید
 (نظامی، لیلی و مجنون: ۱۶۹)

نذر: در لغت به معنی ترسیدن و پرهیز کردن از چیزی است و معنی دیگر آن انجام کاری را بر خود فرض و لازم دانستن است. و روزه‌ی نذر به روزه‌ای گویند که کسی به سبب گشایش در کارش یا رسیدن خیری به وی آن را بر خویشتن فرض گرداند. بجای آوردن روزه‌ی نذر، واجب است (ذوالفقارطب، ۱۳۷۹: ۲۰۳).

پرداختن مضامین زیبای عاشقانه با مسائل فقهی:

بیداد تو گرچه عمر گاه است زیبای چهره عذرخواه است
 آن را که چنان جمال باشد خون همه کس حلال باشد

خون ریختن به ناحق، حرام است، اما زیبایی چهره‌ی معشوق، خون ریختن عاشق را بر او مباح و حلال می‌گرداند، پس در عقیده و باور دلدادگان ریختن خون عاشق بر دست معشوق جایز و مباح است.

در صحیح مسلم آمده است: لا یحل قتل امری مسلم الا با حدی ثلاث کفر بعد ایمان، و زنا بعد احسان و قتل نفس بغیر حق ظلما و عدونا، یعنی خون ریختن مسلمان حلال نیست مگر به سبب سه چیز، کافر شدن بعد از ایمان، ارتکاب زنا یا محصنه و کشتن کسی به ناحق و از روی ظلم و ستم (عیسی آشور، ۱۳۷۴: ۵۴۱).

نظامی با بهره بردن از این نکته‌ی فقهی، این صورت زیبای خیالی را آفریده است.
 در جایی دیگر گفته است:

خون ریز من خراب خسته هست از دیت و قصاص رسته

(نظامی، لیلی و مجنون: ۷۵)

دیه، مصدر ثلاثی مجرد از فعل و دی یدی و دیا و دیه است و به معنی دادن خون بهای کشته است (مختار الصحاح) و در فقه اسلامی، پرداخت دیه برای قتل غیر عمد و یا قتل شبه عمد است، اما در قتل عمد نیز در صورت راضی بودن اولیای مقتول، حکم دیه جاری می‌گردد (بکراسماعیل، ۱۹۹۰، ج ۲: ۳۱۸).

اما در باور دلدادگان، معشوق تنها قاتلی است که خون بهای عاشق و حتی قصاص هم از گردنش ساقط است. معشوق اگر عاشق را بی جان کند کسی را توان قصاص کردن و یا دیت ستانیدن از وی نیست.

چگونگی حلال بودن نیم خورد سگان شکاری:

نیم خورد سگان صید سگال جز به تعلیم علم نیست حلال
سگ به دانش چو راست رشته شود آدمی شاید از فرشته شود

(نظامی هفت پیکر: ۵۳)

صید سگان شکاری زمانی حلال است که سگ از آن نخورده باشد و این قول اکثر فقهیان است، اما گروهی دیگر مانند عطا و اوزاعی گفته‌اند: از کشته و شکرده‌ی سگ و حیوان شکاری، مادام که آموزش دیده باشد و برای صید ارسال شده باشد، خوردن جایز است (بکراسماعیل، ۱۹۹۰، ج ۲: ۴۰۸) و شاعر نیز در این ابیات بر این قول رفته است.

نتیجه

نظامی گنجوی شاعر توانا و سخنور نامی قرن ششم از معدود سخنورانی است که اشعارش علاوه بر صنایع و فنون ادبی به دانش‌های گوناگون آراسته است. از میان دانش‌های اسلامی، دانش فقه بازتابی گسترده در شعر وی داشته است و وی از مصطلحات و نکات و مسائل این دانش در ساختن صور خیالی بدیع و ترکیبات تازه بهره‌ی فراوانی برده است و معانی و مضامین گوناگونی با این مصطلحات پرداخته است و از این راه نقشی بزرگ در گسترش لفظ و معنی شعر فارسی داشته است وی با هنرمندی بی نظیری مسائل فقه اسلامی را با داستانهای کهن ملی پیوند داده است و ترکیبی نو از آن فراهم آورده است. در مدح و وصف و پردازش مفاهیم عاشقانه نیز از این دانش بهره برده است.

منابع

- ۱- ابو حبیب، سعدی، (۱۹۹۹)، *موسوعه الاجماع فی الفقه الاسلامی* (۳ مجلد) دمشق: دارالفکر
- ۲- الاصفهانی، احمد ابوشجاع، (بی تا)، *التذهیب فی ادله متن الغایه والتقریب*، باشرح مصطفی دیب البغا، قم: مکتبه القدس.
- ۳- بدران، ابوالعینین، (۱۳۸۰)، *تاریخ فقه اسلامی*، ترجمه نوید نقشبندی، سنج: دانشگاه کردستان.
- ۴- براون، ادوارد، (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات ایران* (نیمه دوم جلد دوم از فردوسی تا سعدی) ترجمه صدری افشار، تهران: مروارید.
- ۵- بکر اسماعیل، محمد، (۱۹۹۰)، *الفقه الواضح*، (۲ مجلد) قاهره: دارالمنار.
- ۶- ثروت، منصور، (۱۳۷۵)، *فرهنگ کنایات*، تهران: انتشارات سخن.
- ۷- ذوالفقارطوب، مصطفی، (۱۳۷۹)، *فقه تطبیقی* (بخش عبادات) چاپ اول، تهران: نشر احسان.
- ۸- سنایی، مجدودبن آدم، (بی تا)، *دیوان سنایی*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- ۹- عیسی آشور، احمد، (۱۳۷۴)، *الفقه المسیر*، شرح کفایه الاخیار تقی الدین ابوبکر محمد حسینی حصنی دمشقی، ترجمه محمود ابراهیمی، تهران: نشر احسان.
- ۱۰- غلامرضایی، محمد، (۱۳۷۷)، *سبک شناسی شعر فارسی* (از رودکی تا شاملو) تهران: نشر جامی.
- ۱۱- کزازی، میرجلال الدین، (۱۳۶۸)، *زیباشناسی سخن پارسی*، بیان، تهران: نشر مرکز.
- ۱۲- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۷۲)، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، ترجمه کاظم پورجوادی، قم: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۳- النسفی، نجم الدین بن حفص، (۱۹۸۶)، *طلبه الطلبة* (فی الاصطلاحات الفقهیه) بتحقیق خلیل المیس، بیروت: دارالقلم.
- ۱۴- نظامی، جلال الدین، (۱۳۶۳)، *مخزن الاسرار و لیلی و مجنون*، خسرووشیرین و هفت پیکر، شرفنامه و اقبالنامه، به کوشش وحید دستگردی، (۳ مجلد)، تهران: مطبوعاتی علمی.